

دسامبر

در آینهء تاریخ



ای رهبر فرزانه و دانای وطن
اندیشهء تو امید فردای وطن
یاد تو گرامیست به پهنای زمان
در حافظهء خلق توانای وطن

تاریخ بشریت مشحون از مبارزات و قهرمانی هاست. نقش قهرمانان و مبارزان راه آزادی در صدر تاریخ جنبشهای مترقی و آزادی خواه جهان ثبت گردیده است. ماندگاران تاریخ و پیشوایان جنبش های ترقی خواه با ایجاد و رهبریت جنبش های فکری و مکتب های سیاسی، بدفاع از زحمتکشان جهان، پرچم مبارزه را علیه جباران و ستمگران برافراشته و توده های عظیم مردم را بخاطر رسیدن به حقوق و آزادی هایشان سمت و سو داده اند.

بدین مناسبت نام آنها جاویدان و یاد آنها گرامیست. گرامیداشت از سالگرد ها و سالروز های مهم ملی و بین المللی، بیانگر رویداد های عظیم تاریخی در حیات سیاسی و اجتماعی جوامع بشری بوده است. خاصاً ماه دسامبر در تاریخ معاصر کشور ما یاد آور خاطرات فراموش ناشدنی حوادث سده بیستم در میهن ما، منطقه و جهان میباشد.

ماه دسامبر در تاریخ معاصر کشور ما یاد آور وفات دو شخصیت شناخته شده ملی و بین المللی و فقدان رهبریت جنبش ترقی خواهانه در میهن ما بوده است. دسامبر ماه غمبار و غم انگیز برای مبارزان آزادی خواه، مترقی و عدالت پسند میباشد. ماه دسامبر (۱۹۹۶) زمان وداع با زنده یاد رفیق ببرک کارمل رهبر فرزانه حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بدین مناسبت هفدهمین سالروز وفات این شخصیت بزرگ و فرهیخته تاریخ معاصر کشور مان را گرامی میداریم.

ببرک کارمل فقید که در رابطه به شخصیت بزرگ آن، این قلم از نوشتن عاجز است. ولی باید گفت که وصف ذاتی و خصایل عالی این ابر مرد تاریخ و شخصیت گرامی آن در لا بلای تفکر و اندیشه های والایش بر سکوی سپیده دم زمان و افقهای تابناک آرزوها و آرمانهای والای مردم افغانستان قرار دارد. به این مناسبت زنده یاد ببرک کارمل را (تاریخ همسفرش و خورشید همناظرش) می خواند. زنده یاد ببرک کارمل در بهترین ایام جوانی و نو جوانی، سرنوشت عمر گرانبهای خود را با سر نوشت مردم افغانستان گره زده بود. زنده یاد کارمل فقید بهار پر بار زندگی خود را وقف مبارزه بخاطر نجات مردم از رنجهای بیکران شان نموده بود و درین راه با قبول هر گونه قربانی و ایثار گری شجاعانه رزمید و پیروز مندانه به پیش رفت. شخصیت والای ببرک کارمل از عشق وطنپرستی، اصول و اخلاق مترقی مایه میگرفت. چنانچه اندیشه و خردمندی، توانایی فکری، شجاعت و توانمندی، صداقت و ایمانداری، جسارت و مناعت کلام و فصاحت بیان، پیشبینی و دیگر اندیشی، لیاقت و کار دانی این انترناسیونالیست پرشور و انقلابی بیانگر شخصیت والای او در مقام رهبری ح.د.خ.ا. و پیشوای جنبش روشنفکری در کشور ما بود. شخصیت زنده یاد ببرک کارمل از پیشوایی جنبش دانشگاهی پوهنتون کابل گرفته تا جنبش سرتاسری روشنفکری در کشور، ایستادگی و مبارزه در داخل زندان حکمرانان وقت در تاریخ مبارزه

ترقی خواهانه کشور ما ثبت گردیده است. زنده یاد ببرک کارمل در کمپاین انتخاباتی و دوره هفتم شورای ملی و مبارزات پارلمانی و در تاسیس ح.د.خ.ا. نقش اساسی و محوری داشتند. اندیشه ها و آموزه های زنده یاد ببرک کارمل همچون درخت ریشه دار در قلوب زحمتکشان ترقی خواه کشور جا داشته و الهامبخش آرزو ها و آرمانهای والای مردم ستمدیده افغانستان میباشد که ترقی خواهان کشور با گوشت و پوست و استخوان خود آن را درک نموده و مشعل راه آینده شان خواهد بود.

شخصیت سیاسی ببرک کارمل ملهم از عشق بوطن، مبارزه اصولی، پیگیری و خلاقیت، خردمندی و خستگی ناپذیری، ثبات کاری، تحرک وفاداری وسعت نظر، واقع بینی، جهان بینی علمی و اندیشه ترقی خواهانه و انقلابی بود. تواضع و خود گذری، تقوا و فرو تنی، دوستی و مهر و محبت با خلقها، رحم و مهربانی، موضع گیری جانبدارانه و ترقی خواهانه، از خصایل اجتماعی زنده یاد ببرک کارمل بود. کارمل فقید رفقا و اعضای حزب را به مطالعه آثار علمی، مترقی و فرهنگ انقلابی معاصر هدایت و رهنمایی می نمود. کارمل فقید میگفت (در میان مردم بروید، از مردم بیاموزید و برای مردم یاد بدهید، به بزرگان و موسفیدان احترام کنید و همیشه در خدمت مستضعفان قرار داشته باشید) رفیق ببرک کارمل فقید از رهبران ماندگار تاریخ کشور ماست.

کارمل فقید در راه نجات مردم از فقر و ظلم و بی عدالتی در پیشا پیش مبارزین وطنپرست قرار داشت و پرچم افتخار زحمتکشان و ترقی خواهان کشور را بدوش کشیده و افراشته نگه میداشت. طلسم شکست ناپذیر دشمنان افغانستان را همواره می کوبید. زنده یاد ببرک کارمل سمبول واقعی وحدت ملی و وحدت حزبی بود. آموزه های ببرک کارمل همچون تابش خورشید در دل کوهپایه ها و دامان دور دست کشور راه می گشود. او بمتابه ترجمان خواسته های بر حق مردم افغانستان، صدای مردم را از طریق تریبون پارلمان بگوش جهانیان می رسانید و صدای حق خواهانه ببرک کارمل در سطح جهان طنین می افکند. مبارزات پارلمانی ببرک کارمل در واقع بازتاب دهنده آرزو ها و آرمان های والای خلق ستمدیده افغانستان بود که ارتجاع داخلی و منطقه را به لرزه در می آورد.

زنده یاد ببرک کارمل اعضای حزب را به وحدت حزبی و یکپارچگی توصیه می نمود و حفظ وحدت حزبی را بمثابه مردمک چشم و ضامن پیروزی میدانست. وحدت ملی، وحدت حزبی و تحکیم آن از وصایای کارمل فقید این رهبر فرزانه ح.د.خ.ا. میباشد. کارمل فقید حزب را از گزند و امراض کوتاه نظری، قبیله گرایی، و تمایلات قومی و سمتی و از هر نوع آلودگی های مشخصه جامعه مریض فیودالی پاک و منزه نگه میداشت و بر علیه عوامل نفاق و شقاق درون حزبی مبارزه سرسختانه می نمود. زنده یاد ببرک کارمل موجودیت امین و خطرات بعدی او را در درون حزب بیش از دیگران درک میکرد و رهبری حزبی را همواره از گزند امین برحذر میداشت. و حفیظ الله امین را همواره مورد سرزنش قرار میداد. حفیظ الله امین از همان قبل از رویداد ثور انشعاب را بر حزب تحمیل کرده بود و در رویداد ثور ۱۳۵۷ نیز پای حزب را به حادثه کشانیده و با تلاش بخاطر متمرکز ساختن قدرت بدست خود به کشتن سردار محمد داوود اصرار می ورزیدند ولی در همان روز اول رویداد ثور کارمل فقید نور محمد تره کی و دیگر رهبران حزبی را به عواقب نا گوار آن متوجه میساختند و به زنده ماندن محمد داوود و خاندانش اصرار می ورزیدند.

درین رابطه دستگیر پنجشیری عضو هیات رهبری حزب در صفحه ۹۴ فصل سوم کتاب ظهور و زوال خود می نویسد (رهبری سیاسی قیام ثور در یکی از اتاق های منزل اول تعمیر رادیو افغانستان کار میکرد داوود که قبلا تقاضای ملاقات را با اسلم وطنجار و قادر خان دگروال داده بود بنا به هوشدار دادن من یعنی پنجشیری از عواقب خطرناک ملاقات با داوود، آنها بنا به دستور تره کی از ملاقات با داوود منصرف شدند). موصوف در صفحه ۹۵ همین کتاب خود می نویسد (مسئله سرکوب خونین یا برخورد مسالمت آمیز با سردار داوود مطرح بحث و گفتگوی رهبری قیام قرار گرفت. نور محمد تره کی و ببرک کارمل در همان آغاز قیام دو بر خورد جدا گانه و متضاد با مسئله سرکوب خونین یا مسالمت آمیز با سردار داوود داشتند. ببرک کارمل طرفدار برخورد انعطاف با سردار داوود و خاندانش بود. او اصرار میکرد که باید سردار محمد داود کشته نشود و زنده بدست آید) جناب پنجشیری برعلاوه می نویسد که (کارمل معتقد بود که هرگاه با سردار محمد داوود و

خاندانش بشیوه مسالمت آمیز و قانونی برخورد شود اولاً ماهیت هومانستی و دموکراتیک انقلاب آشکار میگردد.

ثانیاً سنن اخلاقی، ملی و دینی مردم احترام میشود.

ثالثاً اسرار و پیوند های او با ارتجاع منطقه و امپریالیزم افشا میگردد.

رابعاً انقلاب از پشتیبانی بین المللی و توده های مردم جهان بر خوردار خواهد بود)

محترم پنجشیری در ادامه می نویسد (اما سلیمان لایق در پاسخ تره کی گفت دا فرعون ووژل شی، و من یعنی پنجشیری در پاسخ به تره کی گفتم نباید اصول مبارزه اجتماعی را خوار شمرد خلاصه اینکه برخورد قاطع با مقامات بلند پایه داوود غلبه یافت) از گفته های فوق چنین نتیجه گیری میتوان کرد که حقانیت تاریخ به دور اندیشی های خردمندان زنده یاد ببرک کارمل صحه میگذارد.

و اما حفیظ الله امین که بخاطر غصب قدرت کودتای دیگری را بر حزب و دولت نو ظهور تحمیل کرده بود در نتیجه این کودتا که در ماه های نخست پس از رویداد ثور بوقوع پیوست رهبران حزبی جناح پرچم ح.د.خ.ا. به ترک وطن مجبور گردیدند و متباقی کادر های جناح پرچم حزب را به زندان انداختند و به آن بسنده نکردند بلکه مبارزان هر گروه و سازمانی که مخالف آنها بود و یا لا اقل با آنها نبود را به جرم عقاید مختلف شان به زندان انداختند. امین که قدرت را در زیر نظر نور محمد تره کی رهبر حزب در دستان خود متمرکز ساخته بود میگفت هر کسی که در تاریکی شب علیه حکومت خلقی قرار گیرد در همان تاریکی شب نابود خواهد شد.

در نتیجه این گونه خیانت های تاریخی امین بر علیه حزب دولت و مردم افغانستان بود که مردم بخاطر نجات شان از مرگ و بدبختی راه های دیگری را جستجو میکردند و نظامی گران پاکستانی که در انتظار چنین روزی بودند وضع رقت بار پیش آمده را به نفع خود دانسته به دسایس علیه دولت قانونی و دموکراتیک افغانستان پرداختند. مداخله گران از کشوری که در گذشته های نچندان دور توسط شاهان مقتدر خراسان زمین به دین اسلام مشرف گردیده بودند، خود را ناجی اسلام نامیدند زیر نام کمک به اسلام، مشغول توطیه چینی علیه نظام و دولت دموکراتیک افغانستان گردیدند. از طرفی هم دولت نور محمد

تره کی که خطر شورش داخلی و مداخله خارجی روح و روانش را می آزرده، از اتحاد شوروی وقت طلب کمک های نظامی نمود که دیری نگذشت امین بار دیگر دست از آستین قدرت بیرون کرد و نور محمد تره کی رهبر اول حزب د.خ.ا. را کشت و گناه کشته شده گان زمان قدرت مندی خود را بدوش دولت تره کی انداخت. و به این ترتیب حزب را بار دیگر دچار مخمصه ساخت. با آمدن قوای شوروی در افغانستان بار دیگر بهانهء مهمی بدست نظامیگران پاکستانی داده شد و تعداد عظیمی از مردم افغانستان را که در اوایل از قیام ثور با دسته های گل استقبال کرده بودند بر علیه قیام کشانیدند.

و اما با آمدن ببرک کارمل در داخل کشور نخستین اقدامات زنده یاد ببرک کارمل رهایی زندانیان و عفو عمومی و دلجویی از باز ماندگان شهدا و کشته شدگان بود که با مراسم فاتحه خوانی در مساجد متبرکه و تکایا بجا آورده شد.

دومین کار ببرک کارمل فقید مطرح ساختن عودت قطعات نظامی اتحاد شوروی وقت بود. کارمل فقید میگفت هر زمانی که جنگ و تجاوز از بیرون کشور در خاک ما قطع گردد ما حاضریم با دفاع مستقلانه از خاک مقدس افغانستان، تمامیت ارضی و استقلال کشور و حاکمیت ملی خود به پای خود بایستیم. همچنان زنده یاد ببرک کارمل با ارایه تیزس های دهگانه و دولت بر پایه های وسیع و مشارکت مردم و اقشار و لایه های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی مشی مصالحه ملی را برای نخستین بار مطرح و در عمل تطبیق نمود که اجرای این سیاست درست و اصولی پشت دشمنان افغانستان را به لرزه در آورد.

اقدامات مهم و انجام مذاکرات برای صلح در سطح بین المللی از دستاورد های سیاسی دولت در زمان ببرک کارمل فقید بود. بلند بردن فرهنگ دوستی خلقهای افغانستان اعم از اقوام و ملیت های ساکن در کشور، گسترش علم و دانش و تقویت زبان های ملی و محلی شرکت دادن نماینده گان اقوام در مشاغل دولتی و گذشته از آن در سطوح رهبری حزبی و دولتی که در تاریخ افغانستان سابقه نداشت انجام پذیرفت. تشکل های فرهنگی و اجتماعی و انتفاعی، آزادی بیان، قلم و مطبوعات، آزادی قانونی زنان، اسکان دادن کوچی ها خدمات دینی و گسترش اعمار مساجد و تکایا و طرح های عمرانی و اقتصادی که چشم دشمنان افغانستان را خیره میکرد در تمام نقاط روی دست گرفته میشد و در عرصه بین المللی

مبتنی بر پالیسی دوستی با خلق های جهان اقدامات و اجراءات شان، افغانستان را بمثابة یک کشور صلحدوست انقلابی و دموکراتیک در سطح جهان معرفی نموده و توجه جهانیان را به داعیه برحق ملیت های برادر پشتون و بلوچ معطوف میداشت. همچنان سیاست خارجی کشور همچون سیاست بیطرفی فعال و مثبت و طرفدار صلح جهانی، دفاع از حقوق و آزادی ملتها و سیاست صلح آمیز برای ختم جنگ و تامین ثبات در کشور در صدر وظایف دولت قرار داشت.

قلب ببرک کارمل بخاطر مردمش می تپید و در راه مردمش زندگانی خود را وقف نمود. بنا بر آن او را گفته میتوان که هنوز زنده هست و در وجود آموزه ها و اندیشه های والای انسانی اش همیشه زنده و ماندگار خواهد بود. آموزه ها و اندیشه های والای زنده یاد ببرک کارمل مشعل راه ترقی خواهان و داد خواهان وطن ما میباشد.

اکنون افغانستان در مقطع حساس زمانی خود قرار دارد اگر دیروز دسایس و تجاوز به بهانه های دینی از خاک پاکستان بر علیه نظام مردمی و دموکراتیک مردم افغانستان صورت میگرفت ولی دیده میشود که دوام اینگونه مداخلات پس از فروپاشی ح.د.خ.ا نیز بطور کماکان ادامه دارد. از دوام مداخلات از سوی خارج و بخصوص پاکستانی ها از قبل معلوم است که نظامی گران پاکستانی و در تبانی با آنها تروریستان و خرابکاران اصلا دشمنی با مردم افغانستان دارند چنانچه با هر نظامی که در افغانستان رویکار میشود طرف دشمنی قوت های خرابکار از خاک پاکستان قرار میگردد. شاد روان ببرک کارمل و شهید داکتر نجیب الله میگفتند که آنان نمیخواهند یک افغانستان با ثبات، آرام و مرفه در همسایگی شان وجود داشته باشد حالا تاریخ بر حقانیت آموزه های شاد روان ببرک کارمل و دیگر رهروان این اندیشه را به اثبات میرساند. در چنین شرایط دشوار بر مردم افغانستان است که با دقت و توجه کامل بر اوضاع جاری و با تصامیم سر نوشت ساز، سرنوشت حال و آینده کشور را رقم زنند. به باور اینجانب رسالت عظیم نیرو های ترقی خواه کشور بخصوص اعضای ح.د.خ.ا. با هر اسم و تشکلی که قرار دارند بیش از پیش به این مبرمیت ورود کامل دارند که چگونه وحدت حزبی را تحکیم بخشیده و با سایر نیروهای ترقی خواه وطنپرست در یک جبهه وسیع و فراگیر و ایتلاف های سیاسی داد خواهانه به اتحاد و

همبستگی فکری نایل آیند و ازین طریق وحدت ملی را تحکیم بخشیده و بخاطر نجات وطن از هر گونه تجاوز و مداخلات بیگانگان بخصوص نظامی گران پاکستانی، صفوف رفیقانه و مردمی خویش را فشرده تر ساخته تا در برابر چالش های خطر ناک و معاملات در رابطه به هست و بود و داشته های این مرز و بوم و خطرات احتمالی روز افزون جنگ بیش از هر وقت و زمان دیگر عملاً متحد گردیم.

رفقای عزیز دوستان همراه و همسو، حال که موضوع گرامیداشت از یاد و بود رهبر فرزانه ح.د.خ.ا. زنده یاد ببرک کارمل هست باید گفت که گرامیداشت از بزرگان تاریخ کشور ما، ملاک عمل قرار دادن نصایح، نظریات و اندیشه های وی است. تحکیم وحدت حزبی است. همراه شدن با کاروان ترقی و اتحاد سیاسی وطنپرستانه است بخاطر نجات وطن از بدبختی. مبارزه با ضعف ها و نارسایی هایست که صفوف ترقی خواهان وطنپرستان را تضعیف میکند. باید گفت تحکیم صفوف حزبی وحدت حزبی و یک قدم بالا تر از آن رفتن به سوی ایتلاف ها و همبستگی های ترقی خواهانه بخاطر خدمت کردن به مردم افغانستان ننتنها قابل تایید و پشتیبانی است بلکه هم مهم و هم ضروری دانسته میشود. البته وصایای همیشگی رفیق کارمل فقید تقویت وحدت حزبی، تحکیم وحدت ملی، همراهی همسویی، غمشریکی با مردم و رفقا، نزدیکی با هموندان خیر اندیش بود. بنا بر آن رفیق کارمل فقید نمرده است او در وجود اندیشه ها و آموزه هایش و در قلوب وطنپرستان واقعی مردم افغانستان، همچون خورشید زنده خواهد بود، برابر با تاریخ عمر خواهد کرد.

یادشان گرامی و روان شان شاد.

رستن زطلسم شب سحر میخواید

پرواز به قله بال و پر میخواید

در راه سفر بسوی پیروزی ها

تاریخ ترا بار دگر میخواید

عبدالوکیل کوچی